شهرآرا
۵شنبه
۲۹ آذر ۱۴۰۳
۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
شماره ۴۳۸۷
SHAHRARANEWS.IR
۱۰

علی باقریان

۱- افزودن الف به پایان کلمه با مقاصد گوناگونی انجام می شود، از جمله به قصد بزرگ داشت و ـ در شعر موزون ـ پرکردن وزن. ۲- برآویخت: گلاویز شد. ۳- دیوِ آهَرمَنا: دیو اهریمن زاد، دیو اهریمنی، دیوی که فرمان بردار اهریمن است. ۴- بزد چنگ وارونه: دست به پشت (او) برد، فندِ وارو زد. شاید مقصود کاری شبیه «بَدَل زدن» در کُشتی باشد. ۵- دوتا: خَم. ۶- اندرآورد: پایین کشید. ۷- بالا: پیکر، قامت. ۸- خَزَرِوانِ دیو: دیوِ خَزَرِوان نام. ۹- انجمن: گروه، جمع. ۱۰- خَدیو: شاه، فرمانده. ۱۱- تیمار: رنج، اندوه.

۱۲۲ سیامک بیامد بَرِ هنه تَنا[1]
برآویخت[2] با دیوِ آهَرمَنا[3]
۱۲۳ بزد چنگ وارونه[4] دیوِ سیاه
دوتا[5] اندرآورد[6] بالایِ[7] شاه

۱۲۴ فگند آن تنِ شاه‌زاده به خاک
به چنگال کردش کمرگاه چاک
۱۲۵ سیامک به دستِ خَزَرِوانِ دیو[8]
تَبَه گشت و ماند انجمن[9] بی‌خَدیو[10]

۱۲۸ چو آگه شد از مرگِ فرزندْ شاه
ز تیماز[11] گیتی بر او شد سیاه

جز زل زدن به ماه، چه کاری از ما ساخته است؟

گفت‌وگو با بیتا علی‌اکبری، هم‌زمان با انتشار دومین مجموعه شعر سپیدش، «عنصر غمگین ماه»

گفت‌وگو

محبوبه عظیم‌زاده

«اگرآنجا خانه بود» اولین اثر مستقل بیتا علی‌اکبری است که در سال ۱۳۹۹ به‌وسیله انتشارات «آرادمان» منتشر شد. مجموعه‌ای از اشعار سپید، با درون‌مایه تنهایی و اندوه عمیق انسان. کتابی کم‌حجم حاوی ۴۸ شعر کوتاهِ ثبت‌شده بر سپیدی ۵۵ صفحه.
این شاعر جوان خراسانی، حالا، بعد از تقریبا پنج سال، دومین مجموعه اشعارش را با نام «عنصر غمگین ماه» منتشر کرده است. کتابی بازهم متشکل از اشعار سپید که به‌همت نشر «واج» روانه بازار شده است. مطلب زیر حاصل گفت‌وگوی ماست با علی‌اکبری که به‌همین مناسبت انجام شده است.

کلمات من از زل زدن به دل تاریکی می آیند

بیتا علی‌اکبری، در گفت‌وگویی که سال ۹۹، هم‌زمان با انتشار «اگر آنجا خانه بود»، با روزنامه «شهرآرا» داشت، از این گفته بود که اشعار نخستین کتابش هم آرزوهای او را دربرمی‌گیرد و هم حسرت‌هایش را، و البته این بستگی دارد به اینکه شاعر چه نگاهی به کلمات داشته باشد. او معتقد است کلمات، همان قدرکه می‌توانند مأیوس باشند، می‌توانند شاد هم باشند، و این برمی‌گردد به زیست آدم و تصوری که از کلمات دارد. حالا، کلمه‌های تازه علی‌اکبری، بیشتر، ماحصل زل زدن به دل تاریکی است که درقالب ۴۸ شعر سپید در کتاب تازه‌اش گرد آمده‌اند.

او درباره اینکه کتابش بیشتر شامل چه مضامینی می‌شود می‌گوید: «از نام کتاب پیداست؛ کلمات از نگاه‌کردن به ماه و زل زدن به دل تاریکی می‌آیند، که با خودش اما واگرهارامی‌آورد. افکار و تصاویر در این کتاب، بیشتر، به سمت گذر عمر، مرگ، تنهاماندن با خودت و با خاطراتت می‌آید، سؤال‌هایی که گاهی برای پاسخ دادن به آن‌ها نمی‌دانی باید چه کنی و جز سکوت‌کردن و زل زدن به ماه کاری از تو و شاید از هیچ‌کسی ساخته نیست. مرده‌ها فقط نگاهت می‌کنند، سؤال‌ها را پاسخ نمی‌دهند!»

هر کلمه با خودش هزار تصویر می آورد

اما آیا قرار است در «عنصر غمگین ماه» با اثری مشابه «اگر آنجا خانه بود» روبه‌رو شویم، یا اثری کاملا متفاوت با اولین تجربه مستقل شاعر؟ علی‌اکبری معتقد است: «با کتاب تازه و متفاوتی روبه‌رو می‌شوید، نه فقط اینکه کتاب تازه منتشرشده‌ای باشد. کلمات همیشه بوده‌اند و ادامه خواهند داشت، چه دورانی که تصاویری بودند برروی دیوارهای غار، چه حالا که کلماتی هستند در دل کتاب 'عنصر غمگین ماه'. ما، هرکدام، با تجربه زیستی خود به کلمات نزدیک می‌شویم. هر کلمه می‌تواند با خودش هزاران تصویر بیاورد، هزاران مزه، تا شکلی از خودش را نشان بدهد.»

جایزه خبرنگاران برای شاعران بی کتاب فرصتی است

این شاعر برگزیده سیزدهمین دوره جایزه خبرنگاران (۱۳۹۷) در بخش ویژه «شاعران بدون کتاب» هم بوده است. وقتی از او درباره این تجربه‌اش می‌پرسیم و درباره اثرگذاری چنین جشنواره‌هایی، می‌گوید: «من در جریان بقیه جشنواره‌ها و جوایزشان نیستم که به چه صورت برگزار می‌شوند، اما جایزه خبرنگاران، جز برای شاعرانی که کتاب چاپ کرده‌اند، فرصتی هم می‌دهد برای دیده شدن شاعرانی که به هر دلیلی کتابی چاپ نکرده‌اند.»

بیتا علی‌اکبری: مسیرْ آسان‌تر که نمی‌شود، حتی سخت‌تر هم می‌شود: از کلمات و تصاویری که اجازه ورود به کتاب را ندارند، تا وسواسی که بعد از هر کلمه سراغت می‌آید، به‌علاوه گرانی کاغذ و نبودن مخاطب، برف را سنگین‌تر می‌کند. گذر زمان به ما می‌گوید این روزها و این مسیری که طی شد شیرین بود یا تلخ

علی‌اکبری حرفش را با اشاره به روند پذیرفته شدن شاعران و واکنش ایشان به این مسئله ادامه می‌دهد: «باور چیزی است که همه دنبالش می‌روند، چه آن زنی که در آشپزخانه کیک می‌پزد، چه آن مردی که در تعمیرگاه جان دوباره به دوچرخه می‌دهد. انتشارات 'آرادمان' [به عنوان حامی جایزه]، خود، در مجموعه‌ای آثار برگزیده را منتشر می‌کند که اتفاق خوبی است. اما اینکه بخواهیم همیشه بنشینیم تا دیگران تأییدمان کنند، به نظر شخص بنده، خوب نیست؛ ما باید مسیر خودمان را ادامه بدهیم.»

مسیر چاپ و نشر کتاب سخت تر هم می شود

چندی پیش که کتاب شعر یکی دیگر از شاعران جوان خراسانی، محبوبه راد، منتشر شده بود، او از چالش «دالان تودرتو و کلاف درهمی به نام نشر» سخن گفت. وقتی نظر بیتا علی‌اکبری را دراین باره جویا می‌شویم و می‌پرسیم که آیا او هم در مسیر چاپ کتابش به چنین مشکلی برخورده است یا نه، می‌گوید: «در کشوری که سرانه مطالعه پایین است و کاغذگران، ترجیح ناشران چاپ کتاب هایی پرمخاطب تر است و شعر جایگاه پایین تری، حتی در قفسه کتاب فروشی ها، دارد. این اتفاق ممکن است برای هرکسی که قصد چاپ کتابش را دارد بیفتد؛ حالا برای یک نفر بیشتر برای یک نفر کمتر. کتاب 'عنصر غمگین ماه' در کمتر از چند ماه چاپ شد.»

او درباره تغییروتحولاتی که در فاصله چاپ کتاب اول تا دومش رخ داده است هم چنین توضیح می دهد: «مسیرْ آسان تر که نمی شود، حتی سخت تر هم می شود: از کلمات و تصاویری که اجازه ورود به کتاب را ندارند، تا وسواسی که بعد از هر کلمه سراغت می آید، به علاوه گرانی کاغذ و نبودن مخاطب، برف را سنگین تر می‌کند. گذر زمان به ما می‌گوید این روزها و این مسیری که طی شد شیرین بود یا تلخ. البته، با همه تلخ و شیرینی، عصاره کار لذت بخش است. اما نشستن جایز نیست و باید رفت سراغ خلق دیگری.»

مخاطبْ شعر را کوتاه و روشن می خواهد

بیتا علی‌اکبری، در بخش دیگری از صحبت هایش، درباره شعر آزاد خراسان و حال وروز مخاطبان شعر می‌گوید: «جلسات شعر کمتری برگزار می شود و به همان اندازه شعرهای کمتری هم خوانده یا شنیده می شود. شاید هم من کم رنگ تر حضور دارم. حتی در کتاب فروشی ها، قفسه هایی که مربوط به شعر هستند پهنای کمتری دارند. خود مسئولان کتاب فروشی ها می‌گویند مردم دنبال کتاب روان شناسی می آیند، نه شعر. شعر در خراسان اما جان بیشتری دارد و شاعران در این خطه پررنگ تر و با کلمات محکم تری خودشان را در جهان جا می‌گذارند. مخاطبانْ شعر سپید را بیشتر از شعرهای کلاسیک می پسندند؛ و درباره این همه نمی شود به قطعیت پاسخ داد. اما مسیر ادامه دارد. شعرْ اتفاقی است که در جان شاعر می افتد. کلمات و تصاویر راهشان را به جهان کتاب ها و محافل ادبی باز می‌کنند. یک مادر، وقتی فرزندش را به دنیا می آورد، راه نمی افتد در کوچه و خیابان تا از دیگران بپرسد 'آیا فرزندی که به دنیا آورده ام را دوست دارید یا نه؟' او به چیزی که خلق کرده است ایمان دارد؛ فرزند خود را کامل و زیبا می بیند. خلق اثر هم همین است؛ کسی که شعر کلاسیک یا سپید را دوست داشته باشد انتخابش را کرده تا لذتش را ببرد و ما هم باید مسیر خودمان را برویم. مخاطب حوصله گشتن دنبال معانی کلمه را ندارد؛ کلمه را روشن و شفاف می خواهد تا در کوتاه ترین زمانْ کلمه یا تصویر را هضم کند و برود سراغ شعر بعدی یا ادامه زندگی. زندگی روی دور تند است و، به همین اندازه، مخاطبْ شعر را کوتاه و روشن می خواهد.»

میراث خراسان

۱
عنصر ماه چه بود / که حاصلش / این همه
بی قراری است؟ // طول و عرض خیابان را /
متر کردم / اما طول عمر آدمی را / چگونه
می‌شود؟ // نمی‌دانی / هربار لیوانی بشویی /
دوباره در آن آب خواهی خورد؟ / زنجیری
نیست تا آسوده‌ات کند / از پوست و گوشت و
استخوان هم بودیم / گلویم رافشرد / تاتکه‌های
وجودم را تف کنم / تف به این همه سال / که
جسارتِ ویرجینیا وولف را نداشتم / جیبم را
پر از سنگ کنم / دهان رودخانه را ببندم / تا
از پس این روزها بربیایم // قبض‌ها یکی پس
از دیگری آمدند / تاردپای آگهی ترحیم را پاک
کنند / پوستِ بریده‌ام / رگ‌هایش را تسلیم
استخوان کرد / تا بی قراری‌ام را / به تنگ‌ها
نبندند / کالبد بی جانم را / بر تخت گذاشتم / از
پشت این پنجره رفتم / نه آن‌قدر دور / نه آن‌قدر
نزدیک / اندازه‌ای / که هیچ پرگاری دورم را نگیرد.

۲
اهرم شیر را می چرخانم / تا با سرد و گرم روزگار
کنار بیایم / به پذیرایی که بر می گردم داسم / اشیا
سراسیمه / جلوِ چشمانم گم می شوند // چطور
باورم شود؟ / تو هم آدمی / دل داری / خشت
این خانه را خراب نمی کنی.

۳
جلوِ ماه ایستاده‌ای / آدم دلش می گیرد / نه من
آدمِ قبلی می‌شوم / نه تو // مهربانی قرص است /
می‌تواند آرامت کند / بگویم بسم‌ا... / برای چیزی
که نیست / ارتش سایه‌ها را / روی دیوار بالا و
پایین ببرم / تلقین کنم / توله یک گرگ نیستم / من
اشرف مخلوقاتم / با شیره‌های این درخت / تو
را بر می گردانم به زندگی // ریشه‌ها را نشانت
دادم / گفتم / بیا زیر این خاک بخوابیم / صبح سبز
خواهیم شد / گفتی / صبور نیستم / نمی توانم
شبنمی را ببینم / که روی لب‌هایت نشسته / تو را
بر می گرداند به زندگی.

۴
در پیری / فقط به دردِ ایستادن / در صف نانوایی
می خوری / هربار که بوی نان پخته / در مشامت
بپیچد / در پس کوچه‌های این افکار / دنبال کسی
خواهی گشت / که زیرِ سنگی پنهان است / امایک
آدم پیر / با کلی افسوس / به چه درد می خورد؟

۵
اندوه در زمستان / طول بیشتری دارد / پتو را
تا بالای سرت می کشد / و هیزمِ هق هق را در
گلویت می اندازد // کدام فصل بود که چشم از
انتظار برداشتی؟

۶
به خاطر تو / چشم در چشم این زمانه شدم /
وگرنه / این همه جنگ و خون‌ریزی دیدن
نداشت // پیراهنت اقیانوس آرامی است / لب تا
لبش چای نوشیدم / بگو سیب / تا با همین لبخند
اینجا بمانم // کمتر زنی را دیده‌ام / روپوش آبی
بپوشد / و در خیابان سیب گاز بزند.

بیتا علی‌اکبری

یادداشت وزیر میراث فرهنگی ایران در نشریه چینی

سهم برجسته ایران و چین در تمدن

صاحب خبر

هم‌زمان با برپایی نمایشگاه «شکوه ایران باستان» در سین‌کیانگ چین، مقاله سیدرضا صالحی امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشورمان، در نسخه چینی بخش بین الملل نشریه 'People's Daily' چین منتشر شد.
مقاله وزیر میراث فرهنگی ـ که با عنوان «ایران و چین، دست در دست یکدیگر؛ تحقق تعاملات فرهنگی و یادگیری مشترک» منتشر شده ـ به روابط فرهنگی ایران و چین، به ویژه موضوع گردشگری، پرداخته و اهمیت نمایشگاه «شکوه ایران باستان» را برشمرده شده است. در بخشی از این مقاله آمده است: «نمایشگاه 'شکوه ایران باستان'، که پیش از این در کاخ موزه پکن و موزه شانگهای برگزار شد، اکنون به موزه سین‌کیانگ آمده است تا بخشی از تاریخ کهن ایران را به نمایش بگذارد و پیوندهای فرهنگی عمیق ایران و چین را به مخاطبان این سرزمین معرفی کند. سرزمین کهن ایران، همچون چین، نقش اساسی در تحولات تمدن های بشری ایفا کرده است. بدون شک، تاریخ و میراث ایران بخش مهمی از تاریخ جهانی است و مطالعه آن برای درک تاریخ بشریت ضروری است. این نمایشگاه یادآور همکاری های دیرینه و احترام متقابل است که همیشه در تاریخ دو کشور وجود داشته است. به ویژه، خرسندم که این نمایشگاه نخستین نمایشگاه بین المللی ایران تحت دولت جدید به ریاست جناب آقای دکتر مسعود پزشکیان است و، خوشبختانه، افتتاح آن در کشوری دوست و مهم همچون چین برگزار می‌شود.»
نمایشگاه «شکوه ایران باستان» ـ که با استقبال مردم چین مواجه شد ـ با حضور علی دارابی، قائم مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی، روز جمعه، ۱۶ آذرماه، در موزه منطقه ای خودمختار سین‌کیانگ در اورومچی چین افتتاح شد.
آثار این نمایشگاه درحدود ۳۰۰۰ سال از تاریخ ایران، از عصر آهن تا دوره صفوی، را به نمایش گذاشته اند و تا اسفندماه امسال درمعرض دید علاقه مندان قرار دارند.

تازه‌ها

انتشار مجموعه‌ای از مقالات تورج دریایی درباره ساسانیان

روایتی از ایرانی بودن

خادم

کتاب «ایرانشهر: تاریخ و تمدن ساسانی»، مجموعه مقالاتی از تورج دریایی، با ترجمه مهناز بابایی منتشر شده است.
دریایی ـ که چند هفته ای است در مقام سرویراستار دانشنامه «ایرانیکا» نیز فعالیت می‌کند ـ در مقدمه خود بر این کتاب اشاره کرده که مقالات آن را، پیش‌تر، طی سال های مختلف نوشته و در مجلات و جشن نامه های آکادمیک چاپ کرده است. بااین حال، او یادآور شده که همچنان به تحقیق و نوشتن درباره تاریخ ایران نیاز داریم و هنوز در آغاز کار و راهیم. دریایی نوشته است: «ساسانیان سرزمین خود را 'ایرانشهر' می نامیدند که می توان آن را 'سرزمین ایرانیان' ترجمه کرد. مابین قرون سوم و هفتم میلادی، معنی ایرانی بودن، به سبب فعل وانفعالات تاریخی و اجتماعی، تغییرات مهمی کرد. به نظر من، در اوایل دوره ساسانی، منظور از ایرانی یک زرتشتی ایرانی زبان بود، اما، در قرن ششم میلادی، ایرانی بودن داشتن فرهنگ ایرانی و آداب و رسوم ایرانی بود، مانند جشن گرفتن نوروز و مهرگان، پوشیدن لباس و خوردن و نوشیدن مانند ایرانیان، که این مهم تحقق یافت. تمدن ایرانی مردم ایرانشهر پس از دوره ساسانی نیز ادامه یافت و نام ایران به مثابه یک ایده و سرزمین تا امروز با ما مانده است و ما تاحدودی وامدار فرهنگ ساسانیان هستیم. در این مقالات تحقیقی، سعی بر مطالعه درباره بعضی از این نکات و روشن ساختن آن ها بوده است.»
مهناز بابایی، مترجم کتاب، نیز در مقدمه‌اش بر این اثر نوشته است: «باوجودآنکه هریک از این مقالاتْ پژوهشی مستقل درباره جنبه هایی به خصوص از تاریخ و فرهنگ ایرانشهر در عصر ساسانی است، به‌گونه ای انتخاب و چینش شده اند که روندی منطقی را به خواننده عرضه نمایند، یعنی از ابتدای شکل‌گیری شاهنشاهی ساسانی توسط اردشیر بابکان در نیمه نخست سده سوم میلادی تا فروپاشی حاکمیت خاندان ساسانی در نیمه سده هفتم میلادی و سپس تداوم برخی سنت های اداری و فرهنگی ایران ساسانی در سده های میانی. مطالب مندرج در مقالات به‌گونه ای است که خواننده علاقه مند به تاریخ ایران ساسانی به راحتی می تواند استفاده کند و، در عین حال، مرجعی معتبر و قابل استناد برای پژوهشگران دانشگاهی در این حوزه مطالعاتی خواهد بود. مقالات این مجموعه را، ازحیث محتوایی، می توان به چهار دسته تقسیم کرد: دسته نخست مقالات مرتبط با برآمدن ساسانیان و استقرار حاکمیت خاندان ساسانی به جای شاهنشاهی اشکانی (فصول اول تا چهارم)، دسته دوم مقالات مرتبط با پیوندهای سیاسی و تجاری میان ساسانیان و همسایگانش (فصول پنجم تا هشتم)، دسته سوم مقالات مرتبط با تاریخ و فرهنگ دوره میانی ساسانی از سده های پنجم و ششم میلادی (فصول نهم تا سیزدهم)، دسته چهارم مقالات مرتبط با دوره اخیر ساسانی از سلطنت خسروپرویز تا سقوط خاندان ساسانی در زمان یزدگرد سوم و برآمدن حکومت های اسلامی در منطقه است (فصول چهاردهم تا بیست و یکم).»

«ایرانشهر: تاریخ و تمدن ساسانی»، نوشته تورج دریایی، ترجمه مهناز بابایی، نشر ققنوس، ۲۹۶ صفحه، ۳۵۰ هزار تومان.

نگاهی به کتاب «سربازان ساسانی در جامعه اسلامی»

عیاران در ایران

رادمنش

وفاداری دسته ای از مردمان به مرام نامه ای که در آن شجاعت، دست‌گیری از زیردستان، یاری رساندن به ستمدیدگان، سخاوت، راستی، رادی، نیک خواهی، شکیبایی و ... از اصول بنیادی و تخطی ناپذیر بود سبب می شد ملقب شوند به «جوانمرد» یا «عیار». عیاری و جوانمردی سنتی دیرپا در ایران است که کم وبیش هنوز از آن یاد می شود.
اما خاستگاه این سنت کجاست و در چه بستر تاریخی ای شکل گرفته است؟ این موضوع اصلی کتاب «سربازان ساسانی در جامعه اسلامی: خاستگاه های عیاری و فتوت» است، کتابی که محسن ذاکری آن را نوشته و نخستین بار در سال ۱۹۹۵ در آلمان منتشر شده است.
دغدغه نویسنده در این پژوهش پیگیری رد این گروه در تاریخ ایران است که به باور او گروهی نیستند که یک شبه ایجاد و به سادگی منحل شده باشند: «به رغم پژوهش های فراوانی که تاکنون صورت گرفته، مسئله اساسی خاستگاه فتوت و پیروان آن هنوز حل نشده باقی مانده است. بااینکه نزدیک به دویست سال از زمان طرح این پرسش و نخستین پاسخ‌ها به آن گذشته است، هنوز هیچ‌کس پاسخی قطعی برای این پرسش عرضه نکرده است که عیارانِ اولیه چه کسانی بودند و برپایه چه اصول و اهداف مشخصی گردهم آمدند.»
او در این مسیر به دوران ساسانی و «اسواران» می‌رسد که «ازمیان نجبای دهقان و آزادان برمی خاستند و فرهنگ می آموختند و اخلاق پهلوانی داشتند.» ذاکری در پیشگفتار کتابش درباره «آزادان»، که اسواران ازمیان آنان می آمده اند، می نویسد: «در ایرانِ اواخر دوره ساسانی، 'آزادان' پایین ترین بخش طبقه نجبای زمین دار را شکل می دادند. آن ها اربابان روستاها (دهقانان) و فرماندهان اداری ـ نظامی (مرزبانان) بودند و سواره نظام کشور را با سواران دلاور جوان (اسواران) تأمین می‌کردند.»
او به محمدتقی بهار، پرویز ناتل خانلری و محمدجعفر محجوب اشاره می‌کند که آن ها نیز، با استناد به مدارک و شواهدی، بر این باور بوده اند که «عیاران اعضای برخی از تشکیلات باستانی بوده اند که پس از فروپاشی ساسانی برجای می مانند.»
براساس این کتاب، ریشه های عیاری را باید درمیان سربازان ساسانی و تجربیات و مهارت های نظامی آنان جست وجو کرد. ذاکری استدلال می‌کند که بسیاری از عیاران ازمیان سربازان و اشراف زادگان ساسانی برآمدند که، پس از فتح ایران توسط اعراب، بدون جایگاه اجتماعی و نظامی سابق خود باقی مانده بودند. مهارت های رزمی، وفاداری به پیمان، و ساختارهای تشکیلاتی نظامی ساسانی در شکل‌گیری ساختار و اخلاق عیاری تأثیرگذار بوده اند. ساختار اخلاقی آن ها شامل ویژگی هایی همچون شرف، راستگویی، سخاوت و دفاع از عدالت بود که تا حد زیادی ریشه در اخلاق و ارزش های حاکم بر فرهنگ پیش از اسلام، به خصوص فرهنگ ساسانی، دارد، هرچند که تأثیرات اسلامی نیز در آن ها مشهود است.
نویسنده یادآور می شود که اسواران، هرچند با حمله اعراب به ایران و ورافتادن ساسانیان برجای ماندند و عیاران شدند و، در پیوند با خلفا و مالکان عرب که زمین های زمین داران کوچک در ایران را تصاحب کرده بودند، سعی در حفظ نقش خود ـ هم در دستگاه حکومت و هم درمیان مردم ـ کردند، در طبقات اجتماعی نزول کردند و گاه انحرافاتی نیز درمیان آن ها به وجود آمد.

«سربازان ساسانی در جامعه اسلامی: خاستگاه های عیاری و فتوت»، نوشته محسن ذاکری، ترجمه حمیدرضا پیغمبری، نشر ققنوس، ۳۴۴ صفحه، ۳۸۰ هزار تومان.